بر روی زمین انقلاب
پیکار خلق
۴۶
یکشنبه ۲۹ تیر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

"انقلاب فرهنگی"، حکومتگران همچنان قربانی میطلبد

هفتهٔ گذشته لکهٔ ننگ دیگری بر دامان حکومت نشست و آن اعدام فرامرز (حسن) حمیدی دانشجوی انستیتو تکنولوژی لاکان در رشت بود. حسن حمید چراجان باخت و چرا حکومت، دستش را بخون وی آلوده ساخت؟ حمید هنگامیکه پس از حملهٔ مزدوران به دانشگاه گیلان، بیاری دانشجویان شتافت تا در مقاومت آنها شرکت جسته و از سنگر آزادی دفاع نماید، بوسیلهٔ پاسداران سرمایه دستگیر و راهی زندان جمهوری اسلامی شد و اینک پس از سه ماه بدون هیچ دلیل و مجوزی و فقط به جرم دفاع از آرمان زحمتکشان به جوخهٔ اعدام سپرده میشود. دادگاه فرمایشی فرامرز حمید را "محارب با خدا و رسول خدا" تشخیص داده و در سحرگاه دوشنبه ۲۳ تیرماه فرمان آتش مزدوران جمهوری اسلامی شهیدی دیگر برجای گذاشت. این شهید و شهدای دیگر میبایست راه "انقلاب

بقیه در صفحهٔ ۳

رژیم در بیدادگاه خود برعلیه تقی شهرام آرمان زحمتکشان را به محاکمه میکشد

سرانجام بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تبلیغات فراوانی که بعمل آمد، تشکیل شد تا تقی شهرام این انقلابی مبارز را به محاکمه کشد.

بارها اعلام نمودیم که مسئلهٔ تقی شهرام مسئله ای است مربوط به نیروهای انقلابی که خود نیز میبایستی آنرا حل نمایند. این بدان مفهوم است که عوامل رژیم ضد خلقی که همهٔ حرکات و سیاستهایشان در جهت امپریالیسم و علیه نیروهای انقلابی و خلق است، هرگز صلاحیت آنرا ندارند که تقی شهرام را به محاکمه کشند. وجود محمدرضا سعادتی همرزم شهرام در زندان رژیم جمهوری اسلامی خود گویای این واقعیت است که اگرچنانچه حتی صمدیهٔ لباف و مجید شریف واقفی زنده بوده و در سازمان مجاهدین فعالیت میکردند امروز بوسیلهٔ همین رژیم و در کنار همرزمان مجاهدشان به بند کشیده میشدند. ما بازهم بصراحت اعلام داشتیم که دادگاه جمهوری اسلامی را در محاکمهٔ انقلابیونی چون تقی شهرام هرگز برسمیت نمی شناسیم و این دادگاه بنابر دلایل فوق اصولاً فاقد هرگونه صلاحیت است. حال پس از چند ماهی که از دستگیری تقی شهرام میگذرد

بقیه در صفحهٔ ۲

تحصن بازماندگان شهدای سینما رکس

اکنون حدود سه ماه از تحصن خانواده های شهدای فاجعهٔ سینما رکس آبادان میگذرد. در این فاصله نه تنها حکومتیان به خواسته های بحق این داغدیدگان وقعی ننهاده اند، بلکه با گسیل اوباشان حزب‌اللهی به جمع متحصنین بارها آنها را تحت فشار قرار داده اند تا شاید از خواسته های خود عقب نشینی نمایند. مگر این خانواده ها خواهان چه چیزی هستند که این گونه تحت فشار قرار میگیرند؟ آیا جز این است که آنها میخواهند قاتلان فرزندان و عزیزان نشان بدست عدالت سپرده شوند؟ حکومت جمهوری اسلامی میکوشد تا با وعده و وعید از پیگیری فاجعهٔ سینما رکس سرباز زند. چه

بقیه در صفحهٔ ۳

پشت پردهٔ اشغال لانهٔ جاسوسی

"اطلاع پیدا کرده بودیم که گروهکهای مخالف جمهوری اسلامی و رژیم موجود در صدد بودند که بدنبال به تعطیل کشاندن پیاپی مدارس در چند روز قبل که بچه ها را به خیابان میکشیدند ـ در آنروز که روز ۱۳

بقیه در صفحهٔ ۳

پاکسازی، عاملی برای تصفیهٔ مبارزین از ادارات و مؤسسات

پس از سخنرانی خمینی مبنی بر پاکسازی ادارات و مؤسسات از نشانه های "طاغوت" و رژیم شاهنشاهی، ظاهراً نقل و انتقالاتی به چشم میخورد. عده ای منفصل از خدمت، عده ای دیگر بازخرید و بازنشسته و عده ای بکلی اخراج و... میشوند. ما در شماره های پیشین نطق خمینی را که به این عملیات ختم شد، مورد بررسی قرار داده و یادآور شدیم که خمینی در واقع این نطق را به طرفداری از حزب جمهوری اسلامی بیان کرده و خواسته است در مقابل جو بوجود آمده از طرف بنی صدر بوسیلهٔ انتشار نوار آیت در جامعه که در کل آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی را برباد میداد، جو دیگری و بنفع حزب جمهوری اسلامی ایجاد نماید. نتایج مترتب بر نطق خمینی این امر را مستدل میسازد. در "پاکسازی" ادارات و مؤسسات می بینیم که انجمنهای اسلامی هر مؤسسه و اداره، فعالترین ارگانها هستند و بدیگر سخن دایرهٔ "پاکسازی" شامل افرادی است که سرشان به حزب جمهوری اسلامی وصل است. پاکسازی در حقیقت بغیر از تصفیه حسابهای خصوصی عده ای با عده ای دیگر

بقیه در صفحهٔ ۴

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

رژیم در...

رژیم یك دادگاه فرمایشی تشکیل میدهد که تقی شهرام را محاکمه کند. رژیم تقی شهرام را نه بخاطر اعمال وی، بلکه فقط و فقط بخاطر انقلابی و علی الخصوص بخاطر کمونیست بودن وی به محاکمه میکشد. سیر دادگاه شهرام گواه کاملی است بر این واقعیت. بخصوص اینکه فردی چون معادیخواه که وابسته به حزب فاشیستی جمهوری اسلامی است، بعنوان حاکم شرع در این دادگاه نقش بازی میکند. حزب جمهوری اسلامی همهٔ ضدیت و دشمنی خود را با کمونیستها این مدافعین واقعی زحمتکشان، در این بیدادگاه آشکار میسازد و وی را به دلیل مارکسیست شدن به "عقوبتهای" سخت تهدید میکند. اما این "عقوبتهای" سخت چیست؟ آیا جز آنچه که تقی شهرام در زمان رژیم شاه هم به آن تهدید میشد، چیز دیگری است؟ تقی شهرام در سخت ترین شرایط چندین سال زندان آریامهری را در راه دفاع از آرمان زحمتکشان بجان خرید و پس از فرار از زندان نیز همچنان به این آرمان وفادار مانده و خستگی ناپذیر به مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم ادامه داد. شهرام هرگز از مرگ هراسی بدل نداشته و ندارد. مگر نه اینکه او حاضر است زندگی خود را در راه رهائی خلق بدهد، پس رژیم باید بداند که این تهدیدها عبث بوده و وی را از آن بهره‌ای نیست رژیم حتی کوشید تا شاید شهرام را به سخن گفتن بر علیه کمونیستها و مجاهدین وادارد اما شهرام همچنان ایستاده و می ایستد و همانگونه که همیشه در مقابل مرتجعین نه گفته است، با اعلام اینکه دادگاه صلاحیت ندارد و وی حاضر است بوسیلهٔ مجاهدین محاکمه شود، با ضد خلق مرزبندی قاطعانه ای کرده و نشان داد که همچنان به انقلابیون وفادار است. معادیخواه که همهٔ وجودش مملو از کینه به انقلابیون بوده و از ایستادگی شهرام به تنگ آمده است، جسارت و وقاحت را بجائی رسانیده که تلویحاً اظهار میدارد که فرار شهرام از زندان آریامهری به کمك ساواك و ساختگی بوده است. امانمیداند که این شگردها دیگر رنگ باخته و هیچکس را باور بر این امر نیست. همهٔ کوشش بیدادگاه بر اینست که از تقی شهرام تصویری ضد انقلابی بدهد و منتسب کردن وی به ساواك نیز وسیله ای است برای فریب اذهان توده ها. اما توده ها نیك میدانند که شهرام همیشه بر علیه رژیم شاه و دستگاههای سرکوبگر وی بوده است. حتی آنهائی که ناآگاهانه و تحت تأثیر تعلقات مذهبی خود و تبلیغات رژیم با سوء استفاده از این تعلقات، بر علیه شهرام شوریده و حتی گاهاً خواهان مجازات وی شده اند، بخوبی بر این امر آگاهند که شهرام فقط بخاطر کمونیست بودن محاکمه میشود و نه بدلیل ساواکی بودن. اضافه کنیم که رژیم دقیقاً از همین ناآگاهی استفاده کرده و میکوشد دشمنی خود را با کمونیستها که در واقع ناشی از خصومت سرمایه داری با کمونیسم و زحمتکشان است، تعمیم داده و به پشتوانهٔ حمایت توده های ناآگاه، دشمنان سرسخت و خستگی ناپذیر سرمایه داری را از سر راه خود دور سازد تا با فراغ بال در عرصهٔ میهن یکه تازی کرده و خون توده های رنجدیده را بمکد. رژیم حتی حق داشتن وکیل مدافع را از شهرام سلب کرده است تا بی دغدغهٔ خاطر هرگونه که میخواهد جریان بیدادگاه را به پیش ببرد و بعد هم با یك حکم فرمایشی این مبارز خستگی ناپذیر را به جوخهٔ آتش بسپارد. رژیم حتی می توانست همین دادگاه فرمایشی را هم براه نیندازد، کما اینکه بسیاری از انقلابیون و مبارزین را در طول چند ماههٔ اخیر بدون محاکمه و فوری اعدام کرد، اما بدلایلی مجبور شد به تشکیل دادگاه برای شهرام تن بدهد. اولاً دستگیری شهرام بسیار پرسروصدا بوده و اعتراض همگان را بسوی انگیخت و رژیم نمیخواست در حالیکه برای مزدورانی چون کمالی و تهرانی دادگاه تشکیل داده و به آنها حق دفاع داده است با عدم تشکیل دادگاه برای شهرام خود را بی حیثیت سازد و برای اینکه خود را با انصاف جلوه دهد و تبلیغات علیه خود را خنثی سازد مجبور به تشکیل دادگاه فرمایشی گردید. اما همین امر که شهرام را از داشتن وکیل محروم کرده اند نشان میدهد که "انصاف" رژیم تا چه حدی است و اصولاً در مورد چه کسانی بکار میرود. فراموش نکنیم که کمالی و تهرانی مزدور با چه حقی دفاع داشته و چهرهٔ کثیفشان بر صحنهٔ تلویزیون جمهوری اسلامی نمودار بود. اینست آن انصافی که رژیم از آن دم میزند، یعنی منصف بودن در مقابل مزدوران و برای آن ها حقوق خاصی قائل بودن اما انقلابیون را از همهٔ حقوق محروم کردن.

ثانیاً رژیم در صدد است از مسئلهٔ شهرام بر علیه کمونیستها و بنفع خود استفاده کند و سازمانهای کمونیستی را به محاکمه کشد. به عبارت دیگر رژیم میخواهد با این محاکمه ایدهٔ کمونیسم و امر رهائی زحمتکشان را بی اعتبار ساخته و از گسترش آن جلوگیرد.

ثالثاً رژیم خیال دارد از مسئلهٔ تقی شهرام حتی بر علیه خود مجاهدین خلق نیز بهرهٔ تبلیغاتی گرفته و سازمان مجاهدین را نیز به محاکمه بکشد و درست به همین دلیل هم حتی اجازهٔ حضور مجاهدین در دادگاه را نداد.

حال دو جلسه از بیدادگاه میگذرد. در این دو جلسه رژیم همهٔ اهداف فوق را دنبال کرده است. لذا انقلابیون و کمونیستها وظیفه دارند با همهٔ قوا بدفاع از شهرام که دفاع از آرمان زحمتکشان است برخاسته و در سطح وسیعی دست بتبلیغات زده و برای همگان آشکار سازند که ضدیت رژیم با تقی شهرام ضدیت با زحمتکشان بوده و این نیز ناشی از ماهیت رژیم سرمایه داری است.

پاکسازی...

را برمسند امور و حتی بر رأس "دوایر پاکسازی" میگمارند، کسانیکه خود وجود متعفنی هستند که میکوشد بسادگی میتوانند در آن زندگی و رشد و تکثیر نمایند، کسانیکه در خدمت اهداف امپریالیسم دست به سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست می زنند، کسانیکه ..... بله اینان هرگز قادر نیستند سیستم اداری را تغییر بنیادی دهند و داد و قال "پاکسازی" آنها نیز به منظور دیگری است که در پیش گرفتیم.

مردم باید بدانند که با این چنین اعمالی که از سوی هیئتهای پاکسازی صورت میگیرد، سیستم اداری کشورمان هرگز انقلابی نخواهد شد که هیچ، بلکه با تصفیهٔ عناصر انقلابی و کمونیست ادارات در مقابل امپریالیسم و مرتجعین داخلی ضربه پذیرتر خواهد شد.

www.peykarfa.org

"انقلاب فرهنگی"...

فرهنگی حکومت را هموار سازد . حکومت فقط با بخون کشیدن فرزندان راستین خلق میتواند "انقلاب فرهنگی" ارتجاعی خودرا به ثمر رساند و بهمین جهت است که شاهدیم در گوشه و کنار میهنمان هر روز قربانی دیگری می طلبد و هرروزفرزندان پاکباختهٔ خلق را به جرم وفاداری به خلق مخفیانه ترور میکند ، دادگاههای فرمایشی برایشان تشکیل میدهد ، به زیرشدیدترین شکنجه های قرون وسطائی میکشد و بحبس و اعدام محکوم مینماید و همه و همه راهم بزورانه تحت پوشش اسلام انجام میدهد تا توده های ناآگاه را به حمایت از جنایات خود وادارد .

اعدام فرامرز حمید موج عظیم خشم بحق مردم مبارز رشت را برانگیخت . بهنگام تشییع جنازهٔ این شهید بخون خفته شعارهای "مرگ بر ارتجاع" ، "این سند جنایت جمهوری اسلامی است" ، "مرگ بر پاسدار حامی سرمایه دار" ، "مرگ بر پاسدار ، کریمی ، انصاری ـ مزدوران سرمایه" ، "کردستان گیلان پیوندتان مبارک" و . . . . طنین افکن شد که خودگویای تنفر و انزجار عمیق مردم نسبت به حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و همه عوامل وارگان های ضد خلقی و دستگاههای سرکوبگر حکومت بود . مردم رشت تشییع جنازهٔ عزیز از دست رفتهٔ خود را به حرکتی اعتراضی علیه رژیم بدل ساخته و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی حادثهٔ خونبار دانشگاه شدند . زندانیانی که خطر اعدام جان بسیاری از آنها را تهدید میکند . یاد شهید فرامرز حمید راگرامی داریم و متحداً به دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی فوری و بی قید و شرط آنها برخیزیم ●

توضیح

در پیکارخلق شمارهٔ ۴۵ نوشتیم "دوتن ازمبارزین بنامهای منوچهرجعفری ومهدی علوی شوشتری . . . بدست جلادان رژیم به جوخهٔ آتش سپرده شدند" . رفیق شوشتری از مبارزین بود که بدست جلادان حکومتی بشهادت رسید . ولیکن در ارتباط با منوچهرجعفری لازم بتذکر میدانیم که بدون شناخت کافی از سابقه ، دامنه وچگونگی فعالیت وی ازاونام بردیم ودرنتیجه انتقاد را برخود وارد میدانیم ●

تحصن . . .

در صورت پیگیری و جستجوی عاملان اصلی این فاجعه ، بعید نیست که پای بسیاری از کسانیکه امروز بر مسند قدرت تکیه زده اند در میان آید . بازماندگان شهدای سینما رکس نیک میدانند که حکومت میخواهد برآتش خشم آنها نسبت به جانیان رژیم شاه آب سرد پاشیده و بر ماجرای به آتش کشیدن عزیزانشان سرپوش گذارد و درست به همین دلیل است که حکومت وحشت زده از اینکه مشتهای رسوایش باز شود ، آنهارا تحت فشار قرار میدهد . هرروز عده ای اوباش بر علیه تحصن خانواده های شهدای سینما رکس دست به راهپیمائی میزنند و بعد هم به آنها حمله ور میگردند و درگیری ایجاد میکنند بدون آنکه هیچ مرجع و مقامی از اعمال وحشیانهٔ آنها جلوگیری کند .

سرانجام بر اثر پافشاری این عزیزان دست ـ دادگان ، قدوسی دادستان کل "انقلاب" ظاهراً قبول رسیدگی داده است . اما این خانواده ها حق دارند بپرسند که چرابعد از این همه مدت تازه دارند "مقدمات تشکیل دادگاه" را فراهم میکنند و اصولاً چه کسانی را میخواهند به دادگاه بکشانند و آیا مدارک و اسناد به اندازهٔ کافی موجود نیست تا چهرهٔ مزدوران افشاء گردد ؟

حکومت باید بداند که مردم آباد ان ازاین خواسته های بحق خود دست نکشیده و در پیگیری آن کوتاهی نخواهند ورزید حتی اگر بازهم هرروز و هرساعت مزدوران و اوباش اجیرشدهٔ حکومت جهت ارعاب به تحصن بازماندگان شهدای سینمارکس یورش برند . حکومت باید بداند که با وعدهٔ "فراهم کردن مقدمات تشکیل دادگاه" نمیتواند این داغ دیدگان عزیز ازدست داده را سربدواند و عاملان جنایت سینمارکس را از چنگ عدالت رها سازد . حکومت باید بداند که مردم زحمتکش آباد ان بخوبی بر این امرآگاهند که بسیاری از حکومتچیان امروزی درماجرای "ناپدید شدن" تیمسار رزمی خائن کماز جمله عاملان اصلی جنایت سینمارکس بود ، دست داشته اند و درست بهمین جهت از پیگیری ماجرا بیمناکند .

از تحصن بازماندگان قربانیان فاجعهٔ سینما رکس قویاً پشتیبانی کنیم ●

پشت پرده . . .

آبان (روز دانشجو) مسائلی را در سطح مملکت به پیش بکشند . . . . گروهکهائی میخواستند با طرح مسائلی درکل مملکت مدارس و دبیرستانها و حتی دانشگاهها را به تعطیل بکشند . انتخاب این روز آن بود که در آن یك حرکت صحیح درخط امام و مطابق حرکت انقلاب اسلامی انجام شود تا این جریانهای انحرافی راتحت الشعاع قرار داده و به همهٔ جامعه جهت بدهد . البته مابهیچ وجه قبل از انجام این کار فکر نمیکردیم که این مسئله اینقدرعمق پیدا کند . . . . " (خوئینی، جمهوری اسلامی ۲۵ تیر)

دیدیم که جریان اشغال سفارتخانهٔ آمریکامستقیماً ازسوی حزب جمهوری اسلامی رهبری میشد و خوئینی که خود ازوابستگان این حزب است ، اینك به صراحت هدف اشغال راتوضیح میدهد .

بله ، درست هنگامیکه موج نارضایتی توده هاگسترش مییافت ، زمانیکه دانشجویان ودانش آموزان انقلابی و نیروهای انقلابی درتظاهرات اعتراضی علیه سیاستهای حکومت ، قدرتمندان رابیش ازپیش افشاء میکردند ، بخشی ازحکومت دست به عملی میزنند که تأثیراین مبارزات را "تحت الشعاع" قرار بدهد . پس مسئله اصلاً مبارزه علیه امپریالیسم نیست . هدف آنست که این مبارزات خنثی گردد . هدف حمله به سازمانهای انقلابی است ونه امپریالیسم . اینان خود نیزازعمق یافتن مسئله بیم داشته اند و میترسیدند که فریادهای مرگ بر امپریالیسم آمریکاد رسرتاسرمیهن طنین افکن شود . این دیگر خارج از برنامه و ارادهٔ کسانی بود که لانهٔ جاسوسی راتصرف کرده بودند ودیدیم که مدتی بعد چگونه حرکات ضد امپریالیستی توده ها راترمزکرده وباطرح مسائلی انحرافی قصد داشتند توجهٔ توده ها راازامپریالیسم منحرف ساخته و ازاشغال جاسوسخانه ازسوئی برای سرکوبی نیروهای انقلابی استفاد مکرده و از سوی دیگربرای تصفیه حسابهای درونی بهره جستند . سخنان خوئینی خود بسیار گویااست و توضیحات بیشتری رالازم ندارد . این سخنان هرگونه توهم نسبت به هیئت حاکمه راکه پس ازاشغال لانهٔ جاسوسی برخی نیروها پیش آمده بود ، میزداید ●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

پاکسازی ...

و باصطلاح زهرچشم گرفتنهای مشخص، عامل بسیار مهمتری را نیز دارا بود ماست و آن هم سرکوب افکار ضد امپریالیستی و کمونیستی در ادارات و مؤسسات میباشد. عاملان انجمنهای اسلامی پس از برنامه های دراز مدت حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی برای سرکوبی نیروهای انقلابی که در نوار افشاء شده آیت بخوبی مشخص بود، وظیفهٔ مستمر و متمرکز شناسائی افراد مترقی و فعالان سیاسی مترقی ادارات و مؤسسات را از طرف حزب جمهوری اسلامی بعهده گرفته و نتایج جاسوسی خود را به حزب گزارش میدهند و حزب هم با استفاده از مهره هائی که در ساواما و مرکز اسناد ملی (بخوان مرکز آمار ساواک) دارد این گزارشها را بررسی و تکمیل کرده و سپس اخراجها شروع میشود. بنابراین حزب جمهوری اسلامی بخوبی نطق امام را درک کرده است و می بینیم که برای تکمیل ادارات خود به تازگی به عمل دیگری دست زده و آن اینکه تحت هدایت این حزب ستادی بنام "ستاد پی گیری و بررسی بیانات امام" تشکیل شده است تا هرفرمان امام را به شکل دلخواه و درواقع آنگونه که امام منظور دارد در سطح وسیعی به اجراء درآورد! پس فرمان قلع و قمع مبارزان و افراد متعهد و آگاه در سطح ادارات و مؤسسات و در سرتاسر کشور بوسیلهٔ خمینی صادر میشود و اینک عاملان و جیره خوران این حزب به تکاپو افتاده و در حال "پیگیری بیانات" هستند. در تمام مؤسسات و ادارات بجز عدهٔ انگشت شماری ازساواکیها که دیگر زبانزد خاص و عام بوده و اگر برکنار نمی شدند حتی عقب افتاده ترین توده ها هم به ماهیت پاکسازی هیئت حاکمه شک می کردند، بقیه افراد که شامل پاکسازی شده اند از مبارزین ضد امپریالیست و کمونیست بوده است. دوایر پاکسازی یعنی انجمنهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی حتی افرادی را که بنحوی از وضع موجود کشور در رابطه با مسائلی چون مسکن، گرانی و .... ابراز نارضایتی کرده اند، از کار برکنار ساخته اند. این برنامهٔ پاکسازی انسان را بیاد پاکسازیهای متداول در آلمان بوسیلهٔ هیتلر و مک کارتی آمریکائی پس از جنگ جهانی دوم در مؤسسات و ادارات آمریکا می اندازد. این برنامه ها بدین ترتیب بود که تمام افراد دمکرات، کمونیست و حتی اشخاصی را که به سیاست های هیئت حاکمهٔ آمریکا و آلمان انتقاد داشتند، از کار برکنار کرده و عده ای دست چین شده را بجای آنها بکار میگمارند تا بقدر کفایت بنفع حکومت تبلیغ نمایند که حکومت بتواند پایه های مادی در بین اقشار مختلف کارکنان بدست آورد.

رژیم کنونی ایران نیز ازاین تجربیات بهره میگیرد. رژیم از سست شدن پایه های حکومتش بسیار واهمه دارد و باچشم باز میبیند که از پایه های توده ایش در تمام اقشار و طبقات و علی الخصوص زحمتکشان بمقدار فراوانی کاسته میشود. رژیم نیک میداند که انقلابیون و مبارزین باتبلیغات و افشاگری های خود این کاسته شدن پایهٔ توده ای رژیم را تسریع میکنند. لذا بایستی کاری کند که از سوئی برای خود محبوبیت کسب نماید و ازسوی دیگر از دست انقلابیون حتی در ادارات و مؤسسات خلاصی یابد. پس برنامه "پاکسازی" اهرم مناسبی است برای تحقق بخشیدن به اهداف فوق، بخصوص اینکه مردم از وضع بد ادارات و مؤسسات نیز بستوه آمده اند و این خود موج نارضایتی را افزایش میدهد. بنابراین با این عمل خود بقول معروف با یک تیر دو نشان میزند.

اما مردم باید بدانند که تازمانیکه چنین رژیمهائی بر سرکارند، به این چنین سیستم اداری نیز برای بقای خود نیازمندند و هیچگاه با اخراج افراد متعهد به خلق و یا رفرم، سیستم پوسیدهٔ اداری کشورما بهبود نخواهد یافت و بازهم شاهد خواهیم بود که مادری رنجور برای یک کارکوچک بارها از این اطاق به آن اطاق رانده شده و بوروکراسی و کاغذ بازی همچنان برادارات و مؤسسات حکمفرمائی خواهند کرد. قابل توجه است که ما از سیستم صحبت کردیم و نه از افراد. سیستم اداری آن روبنائی است که بایستی جوابگوی زیربنای اقتصادی باشد بنابراین سرمایه داری وابسته سیستم اداری خود را نیز میطلبد. پس سیستم اداری کنونی بازتاب اختلالات، آنارسیسم، سودجوئیها و وابستگی نظام سرمایه داری حاکم برکشور ما است.

ما کمونیستها پس از قیام بهمن ماه همیشه فریاد بر آورده ایم که سیستم اداری کشور میبایستی تغییری بنیادی نماید و بخصوص بر روی مسئلهٔ ارتش بسیار پافشردیم امروز شاهد هستیم که گروه گروه و یا دسته های کودتاگر در ارتش رو میشوند که پیش از آنکه منافع خلق را مدنظر داشته باشند، در خدمت منافع امپریالیسم و ارتجاع حرکت میکنند. شاهد هستیم که افراد زیادی از عاملان رژیم شاه موفق به فرارگشته اند. آیا اینان بدون داشتن دستهائی در وزارت، امورخارجه و ادارهٔ گذرنامه و هواپیمائی و .... هرگز قادر بودند فرارکنند؟ آیا این ارزهائی که از مملکت خارج میشود بدون دست داشتن کسانی که برمسند امور هستند، خارج میشود؟ آیافردی چون مظفریان که از مکیدن خون زحمتکشان فربه شده است، بدون رشوه دهی قادر بود این چنین آزادانه به کسب و کار "مشروع" خود ادامه دهد و بریش همه بخندد؟ آیا مزدوران ساواکی که یکی پس از دیگری آزاد شده و به توطئه مشغول میگردند بدون کمک همپالگانشان در دستگاههای اداری و حتی در دادگاههای "انقلاب" میتوانستند به اهداف خود نائل آیند؟ مگرنه اینکه ماجرای اختلاس آذری قمی و دستیارانش رو شد؟ مگر نه اینکه اختلاسهای بنیاد "مستضعفین" برملاشد؟ پس چه دستانی براین اختلاسها سرپوش گذاشته وازپیگیری آن جلومیگیرد؟ مگر مردم ماجرای نیک خلق را در وزارت بازرگانی و ایزدی را دروزارت کشاورزی فراموش کرده اند؟ چه کسانی با "بیانات" مختلف مردم را ازاین مسائل دور نگهمیدارند تابازار و بند های فراوان و بجیب زدن مبالغ کلان برثروتهای خود بیفزایند؟ پاسخ همهٔ این مسائل را انقلابیون و کمونیستهای میهن ما بارها داده اند. حقانیت گفتار کمونیستها امروز بیش از همه آشکارمیگردد. این هیئت حاکمه است که زمینه های رشد چنین جریاناتی رافراهم می سازد. امروز پس از گذشت یکسال و اندی همان شیوه های رشوه خواری و فساد در تمام پیکر ادارات و مؤسسات کشور حاکم است. کسانیکه خود از قبل این امر زندگی کرده و وجودشان از رشوه و اختلاس و مکیدن خون زحمتکشان استواراست، کسانیکه ساواکیها

بقیه در صفحهٔ ۲

انتشار سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org